

معجزه امام در ارتش شاهنشاهی

□ سردار حسین علیی

در ۲۶ فروردین سال ۱۳۵۸، بنیانگذار جمهوری اسلامی در پیامی خطاب به ملت شریف و مبارز ایران روز چهارشنبه ۲۹ فروردین را «روز ارتش» اعلام کردند تا ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با ساز و برگ به رژه پردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فداکاری در راه استقلال و حراست از مرزهای کشور اعلام نمایند. این اقدام به فاصله حدود دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درست دو هفته پس از برگزاری همه‌پرسی در مورد نظام سیاسی آینده کشور و رأی مردم به تغییر رژیم شاهنشاهی و برپایی حکومت جمهوری اسلامی ایران، صورت گرفت.

امام خمینی در پیام خود از ملت خواستند تا در این روز از ارتش اسلامی استقبال کنند و به آنان برادرانه احترام بگذارند و پشتیبانی خود را از ارتش اعلام نمایند. زیرا ارتش اکنون در خدمت ملت و اسلام است.

نحوه رفتار حضرت امام خمینی با ارتش، چه در زمان اوج گیری نهضت اسلامی مردم ایران و چه در لحظه پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن، درس‌های عظیمی را به همه ملت‌های جهان و بخصوص آنان که می‌خواهند از زیر سلطه حاکمان دیکتاتور، رهایی پیدا کنند می‌دهد. برخی از این آموزه‌ها را که برخاسته از تدبیر حکیمانه امام عظیم‌الشأن است می‌توان به شرح ذیل ارائه کرد:

۱- سعی در روشن کردن وضعیت ارتش برای اعضای آن در دوران رژیم طاغوت

امام در بیانات خود در سال ۱۳۵۷ می‌فرمایند: وقتی که به ارتش نگاه می‌کنیم، ارتشی است تحت فرمان مستشارهای آمریکایا، ارتشی که استقلال ندارد، ارتشی که خودش نمی‌تواند یک

کاری را انجام بدهد، مستقل نیست در کارش، ۶۰ هزار مفت خور آمریکایی آمده به اسم مستشار، حالا دیگر چه می کنند من نمی دانم. اما ارتش ما تحت نظر آنهاست، پس ما ارتش نداریم. (صحیفه امام، جلد ۴ صفحه ۲۰۸)

امام همچنین دیدگاه خود را نسبت به آفات جدایی ارتش از ملت، به این گونه بیان می کنند: در رژیم های غیر توحیدی و غیر اسلامی، دولت ها از ملت جدا هستند، ارتش از ملت جداست. و با جدا بودن ارتش از ملت، و دولت از ملت، و رژیم ها از ملت، رژیم ها متزلزل اند، نمی توانند استقلال خودشان را حفظ کنند، نمی توانند در مقابل اجانب پایدار باشند. (صحیفه امام، جلد ۹ صفحه ۳۴)

تمرکز سخنان امام در این ایام بر ضررهای جدایی ارتش از ملت، وابسته بودن ارتش به بیگانه، عدم توانایی ارتش در پاسخگویی به تهدیدات خارجی، استفاده دیکتاتورها از ارتش برای حمایت از شخص خودشان و نیز مقابله با ملت ها، انجام مأموریت برای بیگانگان، اداره ارتش از سوی مستشاران، استوار است.

۲- دعوت از ارتش برای رو در رو نشدن با ملت در جریان نهضت اسلامی

۳- دعوت از مردم برای درگیر نشدن با ارتش و تقدیم گل در برابر گلوله

۴- دعوت از سربازان برای فرار از پادگان ها و خالی کردن دست رژیم طاغوت از توان ملت

برای رو در رویی با مردم.

۵- دعوت از ارتش برای پیوستن به ملت

۶- دعوت به جدا شدن بدنه ارتش از سران و فرماندهان آن و ایجاد فاصله بین درجه داران،

سربازان و افسران ارتش از امرای وابسته به رژیم استبدادی طاغوتی

۷- تهدید فرماندهان طاغوتی به اینکه اگر از سلاح در مقابل مردم استفاده کنند، پس از

پیروزی انقلاب اسلامی، مردم آنها را محاکمه خواهند کرد.

با این شیوه، حضرت امام توانستند به تناسب اوج گیری قیام مردم و نهضت اسلامی در ایران،

به تدریج، مدیریت و فرماندهی ارتش را از دست شاه و مستشاران آمریکایی خارج کرده و در

اختیار رهبری انقلاب بگیرند. به گونه ای که در اواخر عمر رژیم شاهنشاهی، فرماندهان آن رژیم



در مقابل خواست شاه، برای سرکوب بیشتر مردم، اذعان می‌داشتند که پادگان‌ها، خالی از سرباز و نیروی انسانی شده و حتی این نگرانی وجود دارد که بدنه ارتش از فرماندهان خود اطاعت نکنند. از سوی دیگر، امام اجازه درگیر شدن مردم را در جریان نهضت اسلامی، با ارتش، چه با سلاح، چه با پرچاش نمی‌دادند و سعی در جدا کردن ارتش از حاکمیت نظام شاهنشاهی داشتند. به همین علت مردم در تظاهرات خود، وقتی که نیروهای نظامی به مقابله با آنها، اعزام می‌گردیدند شعار می‌دادند: ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست، و یا برادر ارتشی چرا برادر گُشی؟ و حتی برخی از مردم بر روی تفتنگ‌های مأموران حکومت نظامی شاه، گل قرار می‌دادند.

تدبیر و نگاه امام خمینی به ارتش در زمان اوج‌گیری نهضت اسلامی مردم ایران باعث شد که رژیم شاه نتواند:

۱- از تمام توان ارتش و سایر قوای مسلح خود، برای سرکوب ملت استفاده نماید.

۲- تلاش ژنرال‌هایزر آمریکایی برای انجام یک کودتا از سوی ارتش، علیه ملت و امام خمینی، بی‌حاصل شد.

۳- نیروی هوایی ارتش در روز ۱۹ بهمن ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به مردم و امام پیوست.

۴- در جریان اعلام حکومت نظامی در روز ۲۱ بهمن، از سوی نخست‌وزیر شاه، بخشی از ارتش علیه قسمت دیگری از آن، به پا خاست و به همراه مردم توانستند بر تعدادی از عناصر گارد شاهنشاهی که هنوز وفادار به رژیم سلطنت بودند، غلبه پیدا نمایند.

۵- به محض پیروزی انقلاب اسلامی، امام از نظامیان خواستند که خودشان، حافظ تجهیزات و امکانات ارتش باشند و از آنها به عنوان غنایم ملت در درگیری با رژیم شاهنشاهی، به خوبی محافظت کنند.

با نگاه فوق، امام توانستند تمام سازمان، نیروی انسانی و تجهیزات و تسلیحات ارتش را حفظ نمایند و اجازه ندهند آنها در درگیری با ملت و یا از سوی برخی افراد و گروه‌ها منهدم گردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مسائل مهم، چگونگی رفتار با ارتش باقی‌مانده از دوران

طاغوت بود. برخی از گروه‌های سیاسی که بعدها به روی انقلاب اسلحه کشیدند و در خدمت صدام و آمریکا درآمدند در آن روزها شعار انحلال ارتش باقی مانده از دوران طاغوت و تشکیل ارتش توحیدی را می‌دادند و سعی می‌کردند که در درون سازمان ارتش اخلاص ایجاد کرده و سلسله مراتب آن را به هم ریخته تا امکان استفاده از ارتش در خدمت آرمان‌های مردم، میسر نگردد. ولی حضرت امام با اطمینان و با اعتماد به کارکنان ارتش، نه تنها این سازمان عظیم را منحل نکردند، بلکه این ارتش را ارتش الهی نامیدند و با کمال اقتدار از آنها خواستند که با سازمان و سلاح‌های خود به طور رسمی وفاداری خود را به ملت در روز ۲۹ فروردین، اعلام نمایند و از ملت خواستند که رسماً ارتش را با سمت «ارتش اسلامی» بشناسند و پشتیبانی خود را از آن اعلام نمایند. این اقدام امام نشان داد که هیچگونه واهمه‌ای از اینکه آمریکایی‌ها و یا باقی مانده‌های رژیم شاهنشاهی بتوانند از ارتش علیه نهضت اسلامی مردم استفاده بکنند، ندارند و به مردم هم نشان داد که از این به بعد «ارتش برای ملت است» و به ارتش هم نشان داد که آنها بایستی بدون نگرانی، در خدمت ملت خود باشند. بنابراین در روز ۲۹ فروردین سال ۱۳۵۸، افرادی که شاهد رژه نیروهای مسلح در خیابانها بودند، مشاهده کردند که مردم فریاد می‌زدند: «ارتش برای ملت» و ارتشی‌ها هم پاسخ می‌دادند: «ارتش فدای ملت» و امام به این صورت نگرانی‌های مردم را از ارتش برطرف کردند و آنها را پشتیبان ارتش قرار دادند و از نظر روانی فاصله‌ای که بین مردم و ارتش در زمان طاغوت و بخصوص در زمان حکومت نظامی، که از سوی رژیم شاهنشاهی برای رو در رو قرارداد ارتش با مردم انجام می‌شد، برداشته شد. مردم احساس کردند که حالا یک ارتش برآمده از اراده و خواست ملت را در اختیار دارند که باید تقویت شود تا بتواند از کشور دفاع کند.

در این دوران وقتی این اقدام امام خمینی، با شیوه‌ای که آمریکا پس از اشغال عراق در پیش گرفت و ارتش آن کشور را منحل نمود، مقایسه می‌گردد، همگان می‌فهمند که امام چه قدرت و اقتداری داشته‌اند و عمق قدرت نفوذ امام، در بین مردم و ارتشیان، درک می‌شود. در آن زمان بسیاری فکر می‌کردند که حفظ سازمان ارتش، می‌تواند باعث انجام کوتا از سوی آنان علیه انقلاب گردد. ولی امام با فراخواندن ارتش به همراه همه تجهیزات نظامی خود به خیابانها، به

همگان نشان داد که به چه میزان انقلاب، توانسته است سازمان ارتش را در اختیار افکار خود بگیرد و امکان برنامه‌ریزی برای آمریکاییها و عوامل باقی‌مانده رژیم شاهنشاهی از ارتش، دیگر وجود ندارد. امام آنقدر از وضعیت ارتش، اطمینان حاصل کردند که حتی یک نفر را از خارج از سازمان ارتش به فرماندهی هیچ رده‌ای از آن، انتخاب نکردند و اداره ارتش را در همان زمان هم از طریق اعضای ارتش انجام می‌دادند. حال می‌فهمیم که حفظ ارتش چه کمک بزرگی به کشور در آن دوران انجام داد و درک می‌کنیم که آنها که شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند چگونه می‌خواستند توان نظامی کشور را با دست خود ملت، منهدم نمایند تا صدام با خیال راحت تری به سرزمینهای ایران و به انقلاب اسلامی یورش ببرد و زمانی که آمریکا نتوانست با قیام مردم علیه رژیم وابسته پهلوی، جلوی پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم وابسته به خود را در درون کشور بگیرد، با حمله صدام به انقلاب اسلامی و از طریق یک کشور همسایه تصمیم گرفت ملت ایران را که حکومت را از دست آمریکا خارج کرده بودند تنبیه نماید.

البته امام در همان زمان برای تقویت توان نظامی کشور، اقدام به تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم کردند تا بتوانند در برابر تهدیدات آمریکا بایستند و چه خوب امروز، نتایج این اقدام حکیمانه برای ملت ایران روشن شد.

۲۹ فروردین، روز تشکیل ارتش نوین ایران است، ارتشی که در خدمت ملت است، از خارج برای آن تصمیم نمی‌گیرند، اکثر سلاح خود را از داخل ایران تأمین می‌نماید و هم اکنون در کنار سپاه، به بزرگترین قدرت نظامی منطقه تبدیل گشته و نه تنها مأموریتی برای آمریکا انجام نمی‌دهد، بلکه بزرگترین چالش آمریکا برای تسلط بر منطقه خاورمیانه، وجود نیروهای مسلح پرتوان ایران است.

منبع: www.browse.blogs.info/index

رسول بیداری شرق

کتاب «رسول بیداری شرق» مجموعه‌ای است از مقالات دانشمندان و اشعار شعرای تاجیک درباره امام خمینی که اخیراً از سوی انتشارات «پیوند» در شعر دوشنبه به چاپ رسیده است. در ذیل به بعضی از مقالات کتاب یاد شده و نویسندگان آنها که از چهره‌های سرشناس تاجیک هستند اشاره می‌شود:

۱- نقش آیت الله خمینی در اصلاح و تجدید شعور دینی مسلمانان

نویسنده: دکتر شیرازد عبدالله أف

نویسنده مقاله، انقلاب اسلامی ایران را بزرگترین رویداد قرن بیستم معرفی می‌کند که تمام عالم اسلام را بیدار و همه ادیان الهی را فعال ساخت. این انقلاب، تصور شکست ناپذیری آمریکا و دیگر مستکبران را نقش بر آب کرد. امروز که حزب الله لبنان رژیم اسرائیل را با شکست مواجه ساخته است نتیجه و ثمره انقلاب اسلامی ایران است.

نویسنده ضمن اشاره به اندیشه‌های بعضی از شخصیت‌های اصلاحگر عالم اسلام مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، محمد عبده و ... تأکید می‌کند که افکار امام خمینی نه تنها دیدگاه مسلمانان بلکه دیدگاه تمامی انسانها را نسبت به نقش اجتماعی و سیاسی اسلام، دگرگون کرد. این انقلاب به دنیا نشان داد که امکانات بالقوه بنیادی و سازندگی اسلام بی‌انتهاست.

۲- دفترهای اشعار امام خمینی

نویسنده: پروفیسور افسح زاده

مرحوم پروفیسور افسح زاده درباره جایگاه امام دو کتاب ارزشمند و چند مقاله نوشته است که مهمترین آنها «حضرت امام خمینی پدر انقلاب» است. دانشمند فقید تاجیک در مقاله «دفترهای اشعار امام خمینی» به بررسی و تحلیل اشعار عارفانه امام پرداخته و این اشعار را ادامه افکار عرفانی شعرای بزرگ ایران چون مولانا، سعدی و حافظ می‌داند و نکات عرفانی این اشعار را برای خواننده بازگو می‌کند. این مقاله رساله‌ای کامل درباره شناخت اشعار حضرت امام محسوب می‌شود.

۳- ۱۵ خرداد آغاز انقلاب اسلامی ایران

نویسنده: دکتر قهار رسولیان

دکتر رسولیان درباره ایران، انقلاب اسلامی و امام خمینی، بیش از ۵۰۰ مقاله نوشته است. وی که بارها به ایران سفر کرده درباره زمینه‌های اصلی قیام ۱۵ خرداد، علل و نقش آن در تحولات بعدی ایران دیدگاه‌های قابل توجهی عرضه کرده است. ایشان در همین مجموعه، مقاله دیگری با عنوان «نگاهی به مراحل نهضت امام خمینی» دارد که طی آن نهضت اسلامی ایران را به چهار دوره مشخص تقسیم می‌کند.

۴- سیمای امام خمینی در شعارهای انقلابی مردم ایران

نویسنده: دکتر میرزا ملااحمد

دکتر ملااحمد که رئیس انجمن دوستی ایران و تاجیکستان است و بارها به ایران سفر کرده در مقاله خود با توجه به شعارهای انقلابی مردم ایران، سیمای امام خمینی را توصیف می‌کند. وی معتقد است که امام خمینی همانند خورشید عالمتاب بر جنبه‌های مختلف زندگی مادی و معنوی کشور ایران، اثر فیض‌بخشی گذاشته است.

۵- تشریح مراحل اساسی انقلاب اسلامی ایران

نویسنده: دکتر تیمور محی‌الدین‌آف

دکتر محی‌الدین‌آف از دانشمندان سرشناس تاجیکستان است که چندین تحقیق باارزش در داخل و خارج تاجیکستان منتشر کرده است. او در مقاله خود ویژگی‌های مختلف مراحل پیشرفت انقلاب اسلامی ایران را با دلیل و مدرک، بررسی و تحلیل می‌کند.

۶- زمینه‌های ادبی، زیبایی‌شناسی و فکری شعر انقلاب اسلامی

نویسنده: علی داد رسول‌آف

نویسنده در مقاله خود، نقش انقلاب اسلامی را در تحول ادبی و هنری ایران مورد بررسی قرار داده است.

۷- در فراسوی «آوای توحید»

نویسنده: قیام‌الدین ستاری

نویسنده که از شخصیت‌های معروف فرهنگی تاجیکستان است و سفرهای متعددی به ایران داشته، در مقاله خود دیدگاه‌های خود را درباره پیام تاریخی امام خمینی به میخائیل گورباچف (آخرین حاکم شوروی) بیان کرده و نکته‌های این نامه مهم را با دلایل و ارقام واضح بازگو می‌نماید. وی با بررسی پیشگویی امام خمینی درباره آینده شوروی، ندامت دولتمردان این کشور را از جدی نگرفتن نامه یاد شده تشریح می‌کند.

۸- مسئله شرق و غرب و تربیت جوانان در آخرین پیام امام خمینی

نویسنده: دکتر عمر سفر (رئیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان)

نویسنده که چند بار به ایران سفر کرده است در مقاله خود به اهمیت و ماهیت وصیت‌نامه امام خمینی می‌پردازد و درباره هشدارهای امام به جوانان درخصوص توطئه دشمنان، آگاهی نسبت به تهاجم فرهنگی و غیره تحلیل‌های مفید و سازنده‌ای بیان می‌دارد.

۹- امام خمینی از دیدگاه خاورشناسان روسی

نویسنده: دکتر سفر سلیمانی

دکتر سلیمانی که از چهره‌های معروف تاجیکستان است چندین کتاب نوشته است که از جمله آنها کتابی است درباره خاطرات خود از سفر به ایران. دکتر سلیمانی در مقاله خود توجه خاورشناسان روسی و جمهوری‌های شوروی سابق را نسبت به امام خمینی و انقلاب اسلامی به تصویر کشیده است. وی کتابهای مختلفی را که در این زمینه نوشته شده است معرفی و بر ضرورت همکاری کتابخانه‌ها و آرشیوهای کانون‌های علمی و پژوهشی ایران با جمهوریهای شوروی سابق به منظور دستیابی به کتابشناسی کامل میراث امام خمینی تأکید می‌کند. مؤلف همچنین چاپ و انتشار یک مجله با خط سرلیک درباره زندگی و اندیشه‌های امام خمینی را لازم می‌داند.

مرجعیت قرآنی در اجتهاد اسلامی امام خمینی

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان در تاریخ ۸۵/۹/۱۱ همایشی را تحت عنوان مرجعیت قرآنی در اجتهاد اسلامی امام خمینی برگزار نمود. در این همایش که در مرکز فرهنگی شهر نبطیه برگزار شد جمعی از اندیشه‌مندان و متفکران اسلامی لبنانی به بررسی آراء و اندیشه حضرت امام درباره بحث مرجعیت پرداختند. حجت‌الاسلام آقای محمد تقی سبحانی سخنران ایرانی این همایش بودند.

در ابتدای جلسه حجت‌الاسلام والمسلمین آقای غالب حلال به عنوان مدیر همایش با تجلیل از شخصیت حضرت امام گفت: اسلام به اعتبار اینکه آخرین دین است، شریعت مقدس این دین را برای همه زمانها و مکانها قرار داده است. اسلام به اعتباری مانند سایر ادیان نیست بلکه ویژگیهایی دارد که این دین را از سایر ادیان سماوی متمایز می‌سازد. اگرچه همه ادیان الهی دارای تشابهات فراوانی با یکدیگر هستند ولی وجود باب اجتهاد در شیعه سبب شده است اسلام به عنوان دین زنده جوابگوی عصر و زمان خود باشد.

حرکت عملی اسلام و بویژه تشیع مرهون وجود باب اجتهاد در دین و مذهب است و اجتهاد کلمه دقیقی است که شهید مرتضی مطهری با استناد به قرآن به آن اشاره می‌کند.

در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمد تقی سبحانی (رئیس مرکز علوم فرهنگی اسلامی از جمهوری اسلامی ایران) مقاله خود را تحت عنوان «امام خمینی و فقه‌الدوله» ارائه نمود. وی گفت همان‌طوری که از اسم فقه دولت برمی‌آید این بحث شامل ابعاد گوناگون حیات سیاسی جامعه از مشروعیت حکومت گرفته تا تنظیم روابط داخلی و خارجی می‌شود و این مقاله تلاش می‌کند اندیشه‌های حضرت امام خمینی را تحت عنوان مبانی فقه‌الدوله شرح دهد:

فقه سیاسی حضرت امام اگرچه در صحنه سیاست (بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) تجلی یافته است اما تحقیقات نشان می‌دهد که هسته فقه سیاسی ایشان از قبل از انقلاب اسلامی تکوین یافته و دو کتاب ایشان که با موضوع فقه دولت است یعنی کشف‌الاسرار و ولایت فقیه در سالهای پیش از انقلاب اسلامی تألیف شده است.

ایشان در ادامه با بیان لزوم آشنایی با تعریف حکومت از نظر امام خمینی گفتند حکومت از نظر ایشان با مفهوم مصطلح آن متفاوت است و تعریف ایشان از حکومت با مفهوم خاص آن حضرت از سیاست پیوندی نزدیک دارد. سیاست به تعبیر حضرت امام خمینی یک مفهوم عام و شاملی است که همه ابعاد حیات انسان را تا آنجا که در آن مصالحی برای انسان متصور است دربرمی گیرد. از این رو حکومت به هدایت همه ظرفیتهای جامعه به سمت مصالح مطلوب انسانی ارتباط می یابد. با این تعریف، امام سیاست حقیقی را مختص انبیاء می داند. ایشان در ادامه مقاله خود تأکید کرد حضرت امام اسلام را دینی سیاسی می دانستند و با تأکید بر مفهوم امت و ولایت در قرآن کریم تصریح می کردند که اسلام تماش سیاست است. از دیدگاه امام موضوعات اجتماعی قرآن نسبت به آیات عبادی خیلی بیشتر است. از سوی دیگر فقه در ادبیات حضرت امام خمینی جلوه ای دیگر یافته است و آنرا «تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور» می شناسد. دیدگاه حضرت امام به فقه نه به عنوان مجموعه ای از احکام تجویزی و یا دستوری بلکه منظومه ای از معارف است که به توصیف شیوه ها و ارزش های صحیح زندگی کردن در عرصه های فردی و اجتماعی می پردازد.

ایشان با بیان اینکه حضرت امام، ضمن دفاع از جوهره اجتهاد مصطلح در فهم منابع دینی، منحصر ماندن در همان قواعد و نگرشها را نیز کافی نمی دانستند. از این دیدگاه حضرت امام همان طوری که سیاست و حکومت به همه حوزه های فعال حیات آدمی پیوند دارد، فقه نیز عهده دار ارائه تئوری و برنامه یک زندگی مطلوب در ساخت این جهانی است و علوم معهود حوزه های علمیه در دست یابی به چنین معرفتی کفایت نمی کند.

آقای محمدتقی سبحانی در ادامه مقاله خود به بیان ماهیت حکومت و رابطه آن با فقه از دیدگاه امام خمینی اشاره نمود و تعبیر حضرت امام را که «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی در تمام زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی است» بکار بردند.

ایشان همچنین از دیدگاه حضرت امام اهداف اصلی دولت اسلامی را بسط عدالت فردی و

اجتماعی، جلوگیری از ستمگران و حکومت‌های جائرانه، اجرای قوانین بر طبق معیار قسط و عدل، گسترش تعلیم و تربیت، منع از فساد و فشار و انواع کجروی‌ها و آزادی بر معیار حق و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استبداد برشمرده و گفت، بر همین اساس نظریه ولایت فقیه مطرح می‌شود.

وی در ادامه با بیان اینکه در زمان ما بهترین نمونه شیوه حکومت از نظر حضرت امام رژی‌م جمهوری و تفکیک قوا است گفت آن حضرت قالب حکومت را امری ثابت و نهایی نمی‌داند. از دیدگاه امام، ارکان ثابت دولت است، ویژگی حاکم و کارگزاران است. حاکم اسلامی علاوه بر مشروعیت مردمی باید از دو خصلت «فقا‌هت» و «عدالت» برخوردار باشد و کارگزاران نظام بسته به مسئولیت خویش باید از این دو ویژگی برخوردار باشند.

از دیدگاه حضرت امام دیدگاه تغلب که قدرت را مشروعیت و قداست می‌بخشد باطل است و برای این عقیده است که مشروعیت در گرو پذیرش عمومی و برخورداری از ویژگی‌های اساسی همچون عدالت‌ورزی، رعایت مصلحت مسلمین و مقابله با سلطه کافران و مستکبران است.

ایشان در ادامه مقاله خود با اشاره به واقع‌گرایی سیاسی در دیدگاه حضرت امام گفت طرح کلان امام در رابطه با اتحاد سیاسی دولتهای اسلامی بیان نظریه تمدن اسلامی به مثابه شرط ضروری و اولیه شکل‌گیری امت اسلامی و ادامه حیات و تکامل جوامع اسلامی در دنیای معاصر است.

در پایان مقاله، وی فقه حکومت از نظر امام را در سطح فقه خرد و فقه کلان تقسیم نمود. فقه خرد سیاسی به مناسبات درون یک دولت یا جامعه خاصی ارتباط می‌یابد فقه کلان به مناسبات سیاسی در سطح امت اسلامی و عرصه تمدنی می‌پردازد. فقه کلان سیاسی را می‌توان فقه‌الحضاره در برابر فقه‌الدوله نیز نامید.

سخنران بعدی این همایش، آقای دکتر سیدحسین ابراهیم (محقق و از اساتید حوزه علمیه رسول اکرم (ص) لبنان) بودند و عنوان مقاله ایشان «اجتهاد بین النص القرآنی و حرکیه الواقع» بود. وی با بیان حرکت تاریخی اجتهاد در نزد شیعه، به تغییر شرایط و حرکت بر اساس مقتضیات جدید

اشاره نمود و گفت عصری که در آن زندگی می‌کنیم روابط اجتماعی و اقتصادی گسترش یافته است و مسائل جدیدی پدید آمده است که نیازمند بحث و بررسی و به لحاظ شرعی نیازمند فتوای علمای دینی می‌باشد چرا که تا قبل از آن، این موضوعات وجود نداشته است و از طرف دیگر مباحث فقهی که تاکنون وجود داشته بیشتر جنبه فردی داشته است و سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا با فقه موجود می‌توان به سؤالهای جدید عصر ما پاسخ داد؟

امروزه ما با انقلاب عظیمی در ارتباطات جمعی و سایر موضوعات اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستیم و در واقع نیازمند اجتهادی متناسب با حرکت جامعه می‌باشیم که می‌توانیم آن را اجتهاد مرجعیت قرآنی و حرکت واقع در اجتماع بنامیم. به همین دلیل برای مقاله خود این عنوان را انتخاب کرده‌ایم تا دلایل لزوم توجه به حرکت واقع در جامعه را اجتهاد قرآنی بیان کنیم.

وی سپس به تعریف دیدگاه اخباری‌ها پرداخت و از علمایی همچون محمدامین استرآبادی، حر عاملی، مجلسی و بحرانی نام برد. و اضافه کرد دیدگاه اخباری در استنباط فقه شرعی علیرغم تنوعی که دارد معتقد به لزوم درک معانی قرآنی با استفاده از اقوال معصومین (ع) می‌باشد و فهم و درک قرآن را به فقه اصغر یا همان عترت ممکن می‌داند.

ایشان در ادامه به ریشه‌های اختلاف بین اخباری‌ها و اصولی‌ها اشاره نمود و گفت اصولیون، اخباری‌ها را متهم می‌کنند که فقط به ظواهر قرآن توجه دارند و توجهی به فهم عمیق معانی قرآن کریم ندارند، در حالیکه اصولیون قائل به عدم حصر فهم معانی قرآن کریم به احادیث انبیاء و معصومین (ع) هستند. اخباری‌ها همچنین تفسیر قرآن کریم را تلاش برای کشف قرآن کریم می‌دانند و می‌گویند قرآن، کلام خداوند است و نیازی به کشف مفهوم و معانی ندارد و برای این منظور به احادیث و روایتهایی اشاره می‌نمایند. وی در ادامه به اختلاف بین اصولیون در خصوص آیات محکم و تشابهات اشاره نمود.

آقای حسین ابراهیم در ادامه مقاله خود به اجتهاد و ادوات فهم نص قرآنی اشاره نمود و گفت استخراج حکم شرعی با دلیل و بیان شرعی عملی است که مجتهد با استفاده از اصول فقه انجام می‌دهد و در واقع اصول فقه دلالت دلیل را بیان می‌کند. و اجتهاد استفاده از عناصری

مشترک برای استنباط حکم است که در زمان ائمه(ع) نیز استفاده می شده است و اخباری از صحابه نیز در این رابطه ذکر شده است که در نزد اهل سنت به بیان نظری (در عصر ائمه) آمده است.

وی با بیان اختلاف بین اصول فقه و علم فقه گفت اصول فقه از سه عنصر، نقل و عقل و مفهوم کلام و لغت تشکیل شده است و به همین دلیل تعامل با قرآن کریم و استفاده از آن نیازمند زبان‌شناسی دقیق می‌باشد. در ادامه با بیان اینکه غالب فقه اشاره به تکلیف‌های فردی دارد به برخی از احکام موجود اشاره کرد که نیازمند تحول متناسب با تحولات زمان هستند. برای مثال خروج زن بدون اجازه شوهر از منزل حرام است و این فتوای شرعی است سؤال اینجاست آیا با توجه به شرایط زمانه ما باید تغییری در این حکم ایجاد شود یا خیر؟ در واقع نمونه‌هایی از این مسائل سبب می‌شود تا برای معالجه این مشکل که در واقع مشکل در فهم قرآن و فهم سنت است، در خصوص مرجعیت بحث نماییم و این افکار نسبتاً جدید نیز در حوزه‌های علمیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که بخشی را می‌پذیرند و قسمتی از آن را علماء در حوزه‌های علمیه نمی‌پذیرند. از دیدگاه‌های اهل سنت برای حل این موضوع نظریه مقاصد است که اهل سنت آن را می‌پذیرند تا به احکام موجود بعد اجتماعی بدهند اما اکثر علمای حوزه این نظریه را نمی‌پذیرند و آن را رد می‌کنند.

مذهب امامیه راه‌های مختلف فرار از حرمت یک فعل حرام را بسته است برای مثال موضوع تطهیر ربا با استفاده از حیل‌های شرعی از آنجمله است که علما مخالفت دارند و شرعاً حرام می‌دانند.

ایشان در ادامه با اشاره به جایگاه ویژه حضرت امام خمینی در بین مجتهدین و فقه‌های زمانه خود گفت حضرت امام - بویژه در سال‌های آخر حیات خویش - توجه به مصلحت اجتماعی با توجه به دلایل محکم شرعی در فتوای خود داشت و از ویژگی‌های بارز حضرت امام خمینی در بحث فتوا، توسعه فهم نص قرآنی و نص روایی و روش اجتهاد بود که به نوعی توسعه و تحول در اصول فقه می‌شود که نتیجه آن صدور حکم و فتوای شرعی متناسب با مصلحت جامعه و

پاسخگویی به نیازهای عصری است. وی گفت قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و عقیده و شریعت مرجع اول و اصلی معارف اسلامی می‌باشد که فقه هم جزئی از آن است. در پایان همایش جلسه بحث و گفتگو در خصوص موضوعات مطروحه برگزار شد و برخی شرکت‌کنندگان به بیان نظرات و دیدگاههای خود و یا طرح سؤال پرداختند.

دیدگاه امام خمینی درباره آزادی

اشاره - سال گذشته به مناسبت عروج ملکوتی امام خمینی سمیناری در مانیل (فیلیپین) با عنوان «دیدگاه امام خمینی درباره آزادی» برگزار شد که اخیراً مقالات ارائه شده به سمینار مزبور از طریق انتشارات الهدی و چاپخانه «پیمون پرس» به صورت گاهنامه منتشر شده است. اینک خلاصه‌ای از بعضی از مقالات مزبور به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد.

* * *

مفهوم آزادی در نوشته‌های آیت‌الله روح‌الله خمینی

نویسنده: پروفیسور سال‌ای. دیمن

نویسنده در مقدمه مقاله خود اختصاراً به توصیف زادگاه امام، دوران کودکی، سالهای اقامت در قم، مبارزات ایشان علیه رژیم پهلوی، سالهای تبعید و بازگشت به ایران پرداخته است و سپس دیدگاه امام در مورد آزادی را چنین بیان می‌کند:

منظور امام از آزادی همواره آزادسازی مردم کشور خود از ظلم و بی‌عدالتی رژیم پهلوی و از شر استعمار خارجی و فساد اخلاقی دوران خود بود. در عین حال ایشان قویاً به بازگشت به راههای اسلام پافشاری داشت.

نویسنده در ادامه با رجوع به وصیتنامه امام، به نقل از بیاناتی از ایشان در خصوص آزادی